بسم الله الرحمن الرحيم
وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

قدرت نرم حزب‌الله؛

پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ ۳۳ روزه

تألیف

میثم شیروانی

بامقدمه

دکتر اصغر افتخاری

فهرست مطالب

سخن ناشر ۹

پیشگفتار ۱۱

مقدمه: برتری قدرت نرم؛ بازخوانی الگوی جهاد حسینی علیه‌السلام ۱۳

کلیات ۱۳

۱. راهبرد جهادی امام حسین علیه‌السلام ۱۵

۱-۱. شرایط و مقتضیات محیطی ۱۵

۱-۱-۱. عادی‌سازی «بدعت‌ها» ۱۵

۱-۱-۲. بازگشت به فرهنگ جاهلی ۱۷

۱-۱-۳. اصالت زور ۱۷

۱-۱-٤. شرک ۱۹

۱-۱-۵. عُرفی‌سازی سیاست ۱۹

۱-۲. رهایی‌بخشی جامعه اسلامی: جنگ یا جهاد؟ ۲۰

۱-۲-۱. الگوی سخت‌افزارگرایانه ۲۰

۱-۲-۲. الگوی نرم‌افزارگرایانه ۲۱

۲. سیاست‌های «جهاد حسینی» ۲۲

نتیجه‌گیری ۲۹

یادداشت‌ها ۳۲

فهرست منابع ۳٤

فصل۱. کلیات ۳۷

۱–۱. موضوع شناسی ۳۷

۱–۲. بررسی دیدگاه‌ها ۳۸

۱–۳. رویکردی جدید ۴۱

۱–۴. کلیات نظری ۴۲

فصل۲. تاریخ تحلیلی جنگ ۳۳ روزه ۴۷

کلیات ۴۷

۲–۱. از شکل گیری حزب‌الله تا پیروزی سال ۲۰۰۰ ..... ۴۸

۲–۲. از پیروزی ۲۰۰۰ تا صدور قطعنامه ۱۵۵۹ ..... ۴۸

۲–۳. دستاوردهای حزب‌الله پس از عقب نشینی ۲۰۰۰ اسرائیل ۵۱

۲–۴. از صدور قطعنامه ۱۵۵۹ تا ترور رفیق حریری ۵۴

۲–۴–۱. عوامل زمینه‌ساز صدور قطعنامه۱۵۵۹ ..... ۵۴

۲–۴–۲.اهداف قطعنامه ۱۵۵۹ ..... ۵۵

۲–۴–۳. ترور رفیق حریری ۵۷

۲–۵. پیروزی جریان ۱۴ مارس در انتخابات مجلس و تشکیل دولت سینیوره ۶۰

۲–۶. گفتگوهای ملی ۶۱

۲–۷. صحنه درگیری حزب‌الله–رژیم صهیونیستی ۶۳

۲–۸. مسئله اسرا و عملیات وعده صادق ۶۴

۲–۹. اهداف رژیم صهیونیستی از جنگ ۳۳ روزه ۶۶

جمع بندی ۶۷

یادداشت‌ها ۶۸

فصل۳. تأثیرات جنگ ۳۳ روزه بر طرح خاورمیانه جدید ۶۹

کلیات ۶۹

۱-۳. معرفی طرح خاورمیانه بزرگ و جدید ۷۰
۱-۱-۳. مفهوم خاورمیانه ۷۰
۲-۱-۳. بسترها و عوامل طرح اولیه مفهوم و طرح خاورمیانه بزرگ ۷۰
۲-۳. نحوه اجرای طرح خاورمیانه بزرگ ۷۳
۳-۳. شکست طرح خاورمیانه جدید (یا کند شدن این طرح) ۷۶
٤-۳. جایگزین خاور میانه جدید ۷۸
جمع بندی ۷۹
یادداشت‌ها ۸۰

فصل ٤. تأثیرات جنگ ۳۳ روزه بر قدرت‌های درون منطقه ۸۱
کلیات ۸۱
۱-٤. پیامدهای جنگ در سطح لبنان ۸۲
۱-۱-٤.آزادی تمامی اسرای لبنانی باقیمانده در بند اسرائیل ۸۲
۲-۱-٤. حفظ سلاح مقاومت ۸۳
۳-۱-٤. تسلیم جریان حاکم برای ایجاد دولت وحدت ملی ۸٤
٤-۱-٤. عدم انتخاب رئیس جمهور مورد نظر جریان حاکم ۸٦
٥-۱-٤. ترور عماد مغنیه ۸۷
٦-۱-٤. تقویت قوای نظامی حزب‌الله پس از جنگ ۳۳ روزه ۸۸
۷-۱-٤. حضور قوای یونیفل در لبنان (در جنوب لبنان و مرزهای سوریه) ۹۰
۲-٤. پیامدهای جنگ فراتر از صحنه لبنان: ۹۲
۱-۲-٤. تقویت و افزایش جایگاه محور ایران- سوریه- حزب‌الله- حماس ۹۲
۲-۲-٤. افزایش بحران مشروعیت حکومت‌های عربی منطقه ۹۷
۳-۲-٤. کاهش جایگاه و نقش مثلث عربستان-مصر-اردن در معادلات قدرت درون منطقه‌ای ۹۸
جمع بندی ۱۰۰
یادداشت‌ها ۱۰۱

فصل ۵. تأثیرات جنگ ۳۳ روزه بر منازعه اسرائیل- فلسطین ۱۰۳
کلیات ۱۰۳
۵-۱. استعفای مثلث جنگ در اسرائیل: اولمرت، امیر پرتز، دان حالوتس ۱۰۴
۵-۲. گزارش وینوگراد ۱۰۵
۵-۳. کاهش قدرت بازدارندگی اسرائیل ۱۰۷
۵-۴. بحران کارآمدی امنیتی- نظامی دولت ۱۰۸
۵-۵. ناتوانی اسرائیل از آزادی گیلعاد ۱۱۱
۵-۶. تقویت جایگاه دولت حماس ۱۱۲
۵-۷. تقویت جایگاه گروه‌های مقاومت فلسطینی ۱۱۲
۵-۸. تأثیر منفی بر مذاکرات سازش ۱۱۳
جمع بندی ۱۱۴
یادداشت‌ها ۱۱۶
نتیجه‌گیری ۱۱۷
ضمیمه(۱): متن کامل قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت ۱۲۳
فهرست منابع ۱۳۱

سخن ناشر

نظریه‌ی قدرت نرم، افزون بر آن که چارچوب تحلیل و نوین ارایه می‌نماید که با استفاده از آن می‌توان به شناساسیی منابع مهم قدرت نایل آمد، در عرصه نیز موجد الگوهای مقاومت و یا تهاجمی‌ای است که می‌تواند معادلات قدرت را تحت تأثیر قرار دهد. از این حیث بررسی و تحلیل تجارب تاریخی مرتبط با اعمال قدرت نرم درخور توجه می‌نماید.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) در راستای توسعه و تقویت متون کاربردی در حوزه مطالعاتی «قدرت نرم»، تهیه و نشر اثر حاضر را در دستور کار دارد. در این کتاب، مؤلف به تحلیل یکی از تجارب موفق جهان اسلام در کاربردی نمودن قدرت نرم بر ضد رژیم صهیونیستی پرداخته و آثار آن را در سطوح مختلف به بحث گذارده است. «جنگ ۳۳ روزه» که به نماد موفق «مقاومت» در عصر حاضر تبدیل شده، حکایت از آن دارد که منابع نرم قدرت، می‌تواند برآوردهای راهبردی و صرفاً کمی‌گرا را متأثر ساخته و از این طریق ظرفیت‌های تازه‌ای از اقدام را برای بازیگران مسلمان پدید آورد.

ناشر در تکمیل کتاب «قدرت نـرم و نبـرد نامتقـارن: تجزیـه و تحلیـل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزه»، اثـر حاضـر را از مجموعـه «قدرت نرم» به تمامی علاقه‌مندان و پژوهشگران این حوزه تقدیم می‌نمایـد. امید آن که شاهد استفاده کاربردی مطالعـات نظـری ارایـه شـده، در عرصـه عملیاتی نیز باشیم. در این راستا، ناشر همچون قبل از تمامی محققـان بـرای غنای مفهومی و کاربردی حوزه «مطالعات قدرت نرم» دعـوت بـه همکـاری می‌نماید.

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و رژیم صهیونیستی به دلیل ابعاد و پیامدهای گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی آن از همان روزهای آغاز جنگ مورد توجه بسیاری از مؤسسات و مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی دولتی و غیر دولتی جهان به خصوص در اسرائیل و آمریکا و برخی کشورهای عربی قرار گرفت و از همان هفته‌های پایانی جنگ مطالعات و تحقیقات و نشست‌های تخصصی در این زمینه آغاز شد و با گذشت بیش از دو سال از پایان جنگ همچنان ادامه دارد. اما سهم ادبیات تولیدی زبان فارسی در این حوزه مطالعاتی، اندک است و بخش عمده منابع تولید شده غیر تحقیقی و جنبه ژورنالیستی دارند.

در تحقیق پیش رو ضمن بهره بردن از منابع تولید شده پیرامون جنگ ۳۳ روزه و پیامدهای آن در هر سه حوزه زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی سعی شده است در بعد سیاسی–امنیتی پیامدهای جنگ ۳۳ روزه در منطقه خاورمیانه مورد بررسی قرار بگیرد.

در این راستا ضمن بررسی پیشینه منازعه حزب‌الله و رژیم صهیونیستی بسترها و ریشه‌های جنگ ۳۳ روزه بررسی خواهد شد و سپس در پرتو آن پیامدهای جنگ ۳۳ روزه برای هر یک از طرفین و متحدانشان و همچنین تأثیر آن بر طرح‌ها و معادلات قدرت درون منطقه‌ای از جمله طرح خاورمیانه جدید و همچنین منازعه اسرائیل- فلسطین اشغالی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در پایان لازم است تا نخست از استاد گرامی آقای دکتر افتخاری که از طرح، تحقیق و نشر این پروژه مرا یاری رساندند، و همچنین آقای دکتر محمدحسن خانی تشکر نمایم. افزون بر آن از انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) و حوزه معاونت پژوهشی تشکر می‌نمایم که طی دوره جدید به تحقق ایده «مرجعیت علمی دانشگاه» کمک بسیار نموده‌اند. امید آن که شاهد توسعه و ترویج علوم انسانی اسلامی و بهره‌مندی جامعه علمی و عملیاتی (در داخل و خارج) از نتایج آن باشیم.

مقدمه

برتری قدرت نرم؛
بازخوانی الگوی جهاد حسینی علیه‌السلام

دکتر اصغر افتخاری*

کلیات

«فَلا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً...» (قرآن کریم، سوره مبارکه الفرقان (۲۵)، آیه شریفه ۵۲).

«پس هرگز از کافران تبعیت مکن و از این طریق جهادی بزرگ را در مواجهه با ایشان پیشه‌ساز».

تقابل «کفر» و «ایمان» از جمله اصولی است که مستند به آموزه‌های دینی در عرصه حیات بشری ظهور و نمودی پررنگ داشته است و در این میان حادثه بزرگ «عاشورا» به نمادی برجسته و بی‌بدیل تبدیل شده که تمام خیزش‌های رهایی‌بخش ایمانی و اصیل به نوعی به آن وابسته‌اند. با این حال انحصار «عاشورا» به رخدادی که در آن شاهد رزمی نابرابر بین دو اردوگاه

---

* عضو هیات علمی و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
- http://www.Eftekhary.ir
- Eftekhari_asg@yahoo.com
- asg.eftekhari@gmail.com

حق و باطل هستیم؛ منجر شده تـا شـبهاتی در خصـوص مبـانی، اهـداف و ضرورت‌های اتخاذ این راهبرد توسط امام حسین(ع) مطرح شود، و این کـه چگونه می‌توان برای نبردی این چنینی کـه شکسـت نظـامی در آن مسـلم و تعریف شده است، توجیه و فلسـفه‌ای راهبـردی سـراغ گرفـت؟ در نوشـتار حاضر دانش‌پژوه از منظری تازه به رخداد عاشورا نگریسته و آن را مصـداقی از «جهاد» ـ و نه موضوع «قتال» ـ در گفتمان اسلامی معرفی می‌نماید. بر این اساس فلسفه و اهداف آن تحول یافته و ضرورتی خاص می‌یابد. برای درک این معنا، لازم می‌آید تا اصـل جهـاد متناسـب بـا گفتمـان قرآنـی تحلیـل و مرزهای مفهومی و کاربردی آن از قتال ترسـیم گـردد [۱]. در ایـن صـورت مشخص می‌شود که: امام حسین(ع) اقدامی نرم‌افزارانه را بر ضـد حکومـت یزیدی طراحی و عملیاتی نمودند و یزیـد بـدلیل عـدم درک ایـن شـرایط و تحلیل نادرست شیوه مبارزه امام حسین(ع)، نسـبت بـه سـرکوب آن اقـدام نمود که نتیجه آن واقعه عاشورا بود. «جهادی» که توسط امام حسن(ع) آغاز و بواسطه امام حسین(ع) استمرار یافت، در حـال ایجـاد تغییـر در مبـانی و ارکان اجتماعی سلطنت اموی بود؛ و یزید تصور می‌نمود با برخـورد سـخت قادر به سرکوب و غیر فعال‌سازی آن است. تلقی‌ای که تاریخ نشـان داد، نـه تنها قرین به صواب نبود بلکه رشد و تأثیرگذاری انقلاب نـرم حَسـنی را بـا خون حسینی، موجب شد. در عصر حاضر انقلاب اسلامی مصـداقی بـارز از کاربرد این الگوی جهادی می‌باشد که حکایت از توفیق و کارآمدی آن دارد. تجربه‌ای که مجدداً توسـط حـزب‌الله بـه کـار گرفتـه شـده و شـاهد توفیـق روزافزون آن در مقابل صهیونیزم اشغالگر و حامیان جهانی‌اش باشیم.

۱. راهبرد جهادی امام حسین علیه‌السلام

مطابق تحلیل ارایه شده از نظریه‌ی «جهاد» در گفتمان اسلامی، می‌توان چنین ادعا نمود که: امام حسین علیه‌السلام با توجه به شرایط جامعه اسلامی و امکانات در اختیار، راهبرد جهادیی را در مقابله با حکومت جور اتخاذ نمود که واکنش منفی یزید را در پی داشته و در نهایت واقعه عاشورا را توسط یزیدیان رقم می‌زد. به منظور درک این راهبرد، در ادامه دلایل اتخاذ چنین راهبردی را به بحث می‌گذاریم:

۱-۱. شرایط و مقتضیات محیطی

متعاقب شهادت امام علی علیه‌السلام و تقویت بنیادهای قدرت معاویه در شام، شرایط جامعه اسلامی به نفع نظریه سلطنت تغییر یافته و در نتیجه شکلی از حکومت پدیدار می‌گردد که تا پیش از آن جهان اسلام آن را مطلوب و مناسب ارزیابی نمی‌نمود. بنابراین ائمه معصومین علیهم‌السلام راهبرد تازه‌ای را در دستور کار قرار می‌دهند که ماهیتی نرم‌افزارانه و آگاهی بخش داشت. از این راهبرد جدید به «جهاد» تعبیر می‌شود که درک آن نیازمند توجه به شرایط پنج‌گانه زیر است:

۱-۱-۱. عادی‌سازی «بدعت‌ها»

فرآیندی که متأسفانه در جامعه اسلامی پدیدار شده بود و بواسطه آن پاره‌ای از اصول غیر اسلامی به مثابه نوعی بدعت طرح و در عمل مورد توجه قرار گرفته بود؛ در دوران معاویه به غایت خود رسید و معاویه این بدعت‌ها را

چنان «عادی» و «متعارف» ساخت که بسیاری از مردم جامعه اسلامی اصولاً نه آنها را بدعت نمی‌دانستند، بلکه به نوعی «ضروری» و «مثبت» نیز ارزیابی می‌نمودند (شهیدی ۱۳۵۹: ۱۰ـ۹). در نتیجه این تحول پاره‌ای از «منکرها» به «معروف» ـ و بالعکس ـ تبدیل شده بودند که کار را بر جریان امامت برای اداره جامعه بسیار دشوار می‌ساخت. چنان که خداوند متعال این ویژگی را خاص «منافقان» دانسته که درمان آن سخت می‌نماید:

«الْمُنافِقُونَ وَ الْمُنافِقاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنافِقِينَ هُمُ الْفاسِقُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه التوبه (۹)، آیه شریفه ٦٧).

«مردان و زنان منافق چنان‌اند که از یکدیگر طرفداری نمایند؛ بدین صورت که به بدی‌ها امر نمایند و از خوبی‌ها نهی کنند و خود از خوبی احتراز دارند. ایشان خدا را فراموش کرده و لذا خدا نیز ایشان را فراموش و رها نموده است. همانا منافقان همان فاسقان باشند».

بر این اساس جامعه اسلامی دچار نوعی «از جا درفتگی» معرفتی و شناختی شده بود که «خوب» را «بد» ـ وبالعکس ـ تلقی می‌نمود. چنین بود که در کشتن فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام و یاد خدا و به امید نیل به بهشت الهی، به خود تردیدی راه نمی‌دادند. همین ملاحظه است که مورد توجه امام حسین علیه السلام قرار گرفته و حضرت از حلال شدن «حرام‌ها» و حرام شدن «حلال»های الهی به عنوان شاخصه بارز جامعه آن عصر یاد کرده است.

۲-۱-۱. بازگشت به فرهنگ جاهلی

اگر چه «توحید» محور تحول فرهنگی جامعه، نقش برجسته‌ای در نحوه اداره امور بلاد اسلامی داشت، اما به تدریج «دین الهی» مرکزیت و اصالت خویش را از دست داد؛ تا آنجا که صحابه و تابعین در ایجاد آئینی تازه که با اصول رفتاری جامعه پیشا اسلام همراه و هماهنگ باشد، مشارکت نمودند. اقدام کوفه، بصره، مدینه، مکه و سایر بلاد اسلامی به همراهی شام برای برخورد با امام حسن علیه‌السلام و سپس امام حسین علیه‌السلام ثال‌زدنی است و موید این مدعا است که «دینی تازه» به اسم اسلام ولی مبتنی بر اصول فرهنگی «جاهلیت» ساخته و پرداخته شده بود که با رهبری شخص فاسقی چون یزید، اسراف و تصرف در بیت‌المال، ارتکاب محرمات و... منطبق بود و از در تعارض ب دینداری هم در نمی‌آمد. این موضوع در نقد ارایه شده از سوی امام حسین علیه‌السلام نسبت به مشی و سیاست «معاویه» ظهور نام دارد و حضرت علیه‌السلام به شدت معاویه را از این اقدام نهی نموده‌اند (نک. ابن اعثم کوفی ۱۳۸۰: ۷۵۸ـ۷۵۷).

۳-۱-۱. اصالت زور

در حالی که اسلام با اصل «محوریت صلح» و آرمان «توسعه همزیستی مسالمت‌آمیز» ظهور نموده و توانسته بود در پرتو سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مستند به کلام الهی «صلحی عادلانه» را تجربه نماید که بنیاد آن ایمان، تفاهم، تعامل و تمسک به نقاط مشترک بود (نک. ابن هشام ۲۰۰٤: ۱٦۸-۱۳۹)؛ اما سیاست گروه‌های معارض و مخالف معطوف به «اصالت بخشیدن» به «زور» و

«خشونت ورزی» بود تا از این طریق یا اختلافات خود را حل نمایند و یا این که «حقانیت» خود را آشکار سازند(عبدالمقصود ۱۳۷٦).

حضرت علی علیه‌السلام در نقد رفتار معاویه به کرّات این آفت را گوشزد نموده و مردم را آگاه می‌ساختند که: «نشاید برای اثبات خود در کار رنج و کشتن دیگران درآییم». به همین دلیل بود که خود پیوسته دعوت به تفکر و تأمل می‌نمود و اقدام به جنگ نمی‌کرد مگر آن که قبل از آن حجّت را تمام کرده بود و یا این که دشمن به این کار پیشدستی نموده بود. حتی حضرت علیه‌السلام در خطبه‌ای مردم را از آمدن خاندانی خبر می‌دهد که شاخص اصلی آنها «زورگویی» تا حل وفصل اختلافات به شکل قانونی و یا رجوع به حکم الهی است (امام علی علیه‌السلام ۱۳۷۱، خطبه ۹۳: ۸٦ـ۸۵). این در حالی بود که ملاحظات اقتصادی و فرهنگی، و افزون بر آن کینه‌های سیاسی، روح حاکم بر جامعه اسلامی را به شدت متحول ساخته بود. به گونه‌ای که «جنگ» برای آنها اصالت یافته بود و اقدام به آن را ضرورتی سیاسی ـ اجتماعی می‌دانستند. ابن خلدون از این موضوع با عنوان «عصبیت جاهلی» یاد می‌نماید که بزعم وی به کمک معاویه آمد و او احیاء کننده این رفتار ناشایست در قالب نظام سیاسی اموی ـ به نفع خویش و ضرر مکتب اسلام ـ بود (ابن خلدون ۱۳٦۲: ٤۰٦–٤۰۵). جهاد حسینی در واقع نقدی جدی بر سیاست زور یزیدی بود.

٤-١-١. شرک

مهمترین آفتی که با بنی‌امیه نهادینه شده بود و در حال توسعه در جامعه اسلامی بود، «شرک» و خروج از «دین الهی» می‌باشد. با عنایت به این که بسیاری از افراد در صدر اسلام، به حقیقت مسلمان نشده بودند و ناچاری و یا نفاق آنها را به این را ه آورده بود (شهیدی ۱۳۵۹: ٤٨-٤٦)، شهادت حضرت علی علیه‌السلام برای آنها فرصتی فراهم آورده بود تا بتوانند از نهان‌گاه‌های خود بیرون آمده و با تصدی مراتب سیاسی و جریان اعمال قدرت؛ «انحراف» را در بطن نظام و جامعه اسلامی پدید آورده و بدین ترتیب طومار ایمان را به نفع «شرک» در هم نوردند. «معاویه» در این خصوص نقطه‌ی عطف مهمی به شمار می‌آید که در عمل و نظر این سیاست را به اجراء گذارد (برزگر ۱۳۸۳: ۱۵۷ـ۱۵۱). از این منظر جامعه اسلامی از درون تهی گشته و بدین وسیله امکان تعریف و اجرای هر سیاستی ـ ولو ضد الهی و در مخالفت صریح با احکام نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ وجود داشت.

٥-١-١. عُرفی‌سازی سیاست

اگر چه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام تلاش بسیار نمودند تا بتوانند عرصه سیاست را با اخلاق دینی و هنجارهای اسلامی از زشتی‌های «منفت‌طلبی» پاک نموده و بدین ترتیب «سیاست اسلامی» را معنا و هویت ببخشند (افتخاری ١٣٨٤: ٣١٢-٢٤٥)؛ اما اقدام معاویه در تبدیل خلافت به سلطنت، سد این راه شد و عرفی‌سازی سیاست را ترویج نمود که در آن تأمین منافع بر همه چیز اولویت و ارجحیت دارد. تلاش‌های معاویه در این

خصوص زبانزد بود و امام علی(ع) با عنوان «خدعه» و «نیرنگ» و یا «عدم التزام به حکم الهی» از آن یاد کرده است (عبدالمقصود ۱۳۷٦: ۵۳۷-۵۲۹)؛ اما این نیرنگ‌ها از سوی عموم مردم و نخبگان یا درک نشده و یا ایشان مایل به درک آن نبودند؛ بنابراین شاهد شکل‌گیری نسلی می‌باشیم که از جدایی اصول رفتاری در عرصه سیاست با احکام دینی صادره از سوی شارع می‌باشند. این نسل بیش از آن که از حیث قدرت و توان مادی ضعیف باشد از حیث فهم و بینش فقیر می‌نمود که می‌طلبید به نوعی آگاه و هدایت گردد. هدفی که از طریق «جهاد» و نه «قتال» قابل تحقق بود.

۲-۱. رهایی‌بخشی جامعه اسلامی: جنگ یا جهاد؟

مجموع سیاست‌های رهایی‌بخش را می‌توان به دو گونه اصلی تقسیم نمود که هر یک برای شرایط سیاسی ـ اجتماعی خاصی توصیه می‌شود. این دو الگوی رفتاری عبارتند از:

۱-۲-۱. الگوی سخت‌افزارگرایانه

در این الگو به دلیل شکل‌گیری ساخت‌های متصلب سیاسی و اقتصادی، عنصر آگاهی و معرفت اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته و نوعی «فقر معرفتی» بواسطه «استضعاف سیاسی و اقتصادی» نهادینه شده، پدید می‌آید (Crothers & Lockhart 2000: 5-74). در این موارد مقتضای «رهایی بخشی»، اقدام برای شکستن این «ساخت‌ها»، است تا از این طریق فضای مناسب برای تعالی معرفتی حاصل آید. نتیجه این برآورد، اصالت یافتن اقدامات سخت‌افزارانه با اهداف نرم‌افزارانه است. چنان که انقلاب‌ها می‌آیند

تا ساخت‌ها را زیر و رو نمایند و ساختاری جدید بنیاد گذارند که موجب تعالی گردد(Ackerman Durali 2000: 13-304).

۲-۲-۱. الگوی نرم‌افزارگرایانه

در این موارد به خاطر وجود فقر معرفتی، شکستن ساختارها، نه به سادگی ممکن و نه چاره‌ساز است. بدین معنا که انسان‌ها در زندان‌های درونی‌شان اسیر هستند و در واقع بینش، نگرش و باورهای فاسد آنها منجر شده تا ساختارهای فاسد سیاسی و اقتصادی حاکم باشند. این نوع از اسارت ریشه در درون افراد و جامعه دارد (شریعتی ۱۳۷۲؛ Cortright 2006). ویژگی مذکور مانع از آن می‌شود تا بتوان با اقدامات سخت‌آفزارانه،نسبت به رهایی چنین مردمی امیدوار بود. اقدامات رزمی در چنین جوامعی، اولاً ـ مثبت ارزیابی نمی‌شوند؛ ثانیاً ـ مورد حمایت مردم واقع نمی‌شوند؛ ثالثاً ـ در صورت موفقیت، نسبت به نتایج آنها اقبال نشده و نامشروع تلقی می‌گردند (شریعتی ۱۳٦۰؛ Sharp 2005: 25-38).

بر این اساس مشخص می‌شود که در شرایط مربوط به الگوی دوم نه تنها «اقدام رزمی» چاره‌ساز نیست، بلکه توصیه نیز نمی‌شود. بالعکس اتخاذ سیاست‌های روشن‌گرایانه و هویت‌بخش، بسیار مؤثر و تأثیرگذار ارزیابی می‌شوند. به همین خاطر است که قلم‌ها در قیاس با تفنگ‌ها، به مراتب حساس‌تر و کارآتر ارزیابی می‌گردند. خلاصه کلام آن که جامعه اسلامی در عصر «حسنین»علیهما‌السلام بیش از هر چیزی نیازمند «اقدامات نرم‌افزارانه» تا «نبردهای سخت‌افزارانه» بود تا بتواند اصالت و هویت خود را باز یابد.

۲. سیاست‌های «جهاد حسینی»

چنان که بیان شد، حاکمیت بینش انحرافی و سیاست‌های معاویه جامعه اسلامی را دچار بحران هویت نموده بود؛ به گونه‌ای که از درون دچار فساد شده بود و نسبت به اصول اولیه‌ای چون توحید و اطاعت از احکام الهی، التزام به فرهنگ اسلامی، پرهیز از زور و خشونت، و بالاخره تنظیم نحوه اداره جامعه براساس اصل محوری «تربیت» به جهت نیل به «سعادت»، بی‌اعتناء گشته بود. در چنین فضایی راه حل بنیادین نه اقدام به جنگ برای براندازی نظام اموی بلکه احیاء هویت دینی بود تا جامعه، بعثتی نوین را تجربه نماید. چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مواجهه با گفتمان شرک، نخست به «آگاهی بخشی» اقدام نمود و از طریق «انسان‌سازی»، نظام مشرکانه را متزلزل و نابود ساخت.

با این تفسیر راهبرد امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام با هم هیچ تفاوتی ندارد و هر دو در یک طریق، یعنی «جهاد» (به مثابه راهبردی نرم‌افزارانه) گام می‌گذارند. آنچه مایه تفاوت این دو دوره است، بیش از آن که به ماهیت راهبردی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام برگردد، ناظر بر الگوی مدیریت معاویه و یزید است.

در واقع درک معاویه نسبت به یزید بسیار کامل‌تر می‌نمود؛ چرا که ماهیت جهاد نرم‌افزارانه امام حسن علیه السلام را درک کرده بود و لذا از مجموعه سیاست‌های نرم‌افزارانه‌ای استفاده نمود تا بتواند تصویر امام و پیروانش را نزد جامعه اسلامی مخدوش نموده، جهاد حسنی را با شکست مواجه ساخته و یا حداقل مهار نماید. حال آن که یزید از این حیث در اشتباه کامل بود و

تلاش نمود با ابزار سخت جلوی جهاد نرم امام حسین علیه‌السلام را بگیرد. نتیجه این تقابل به طور قطع به نفع امام علیه‌السلام بود؛ چرا که از حیث تحلیلی راهبردهای نرم‌افزارانه پیوسته بر سخت‌افزارنه برتری دارد و نمی‌توان حرکت‌های نرم‌افرارانه را با ابزارهای سخت‌افزارانه سرکوب نمود. در چنین مواقعی (یعنی کاربرد ابزار سخت‌افزارانه)، نهضت‌های نرم‌افزارانه تقویت شده و ایده‌های‌شان نافذتر می‌گردند (Sharp 1973: 573-656).

با این توضیح مشخص می‌شود که امام حسین علیه‌السلام در استمرار راهبرد جهادی امام حسن علیه‌السلام نسبت به پی‌گیری سیاست‌های زیر اقدام نمودند:

سیاست ۱. احیاء دین

«نقطه اختلاف ما با بعضی مورخان و جامعه‌شناسان قدیم و امروز ـ مسلمان یا غیر مسلمان ـ در همین جاست. آنها به قیام حسین از دیده سیاست می‌نگرند، در حالی که او از این قیام، دین را می‌خواست» (شهیدی ۱۳۵۹: ۱۱۹).

اگر چه تلاش برای تفسیر سیاسی یا ایدئولوژیک قیام حسینی، دامنه‌دار است؛ به گونه‌ای که برخی بر بُد سیاسی آن به شدت تأکید داشته‌اند (صالحی نجف‌آبادی ١٣٦٤) و در مقابل نویسندگانی بنیادهای دینی آن را برجسته و محوریت بخشیده‌اند (مطهری ۱۳۷۷)؛اما آنچه در این مقال باید بدان توجه داده شود، این است که در راهبرد جهادی امام حسین علیه‌السلام این دو از هم منفک نیستند. بعبارت دیگر، «جهاد حسینی» جنگی نرم‌افزارانه برای احیاء دین الهی بود که در صورت نتیجه بخشی به طور قطع زوال نظام فاسد اموی را نیز در پی می‌داشت. لذا این دو ملاحظه بصورت توأمان در این

راهبرد نهفته بوده است. تصریح امام حسین علیه‌السلام مبنی بر این که رسالت وی اصلاح‌گری است، نیز مؤید همین معناست:

«همانا من از [این دیار] برای طلب قدرت و جاه و یا ایجاد فساد و اعمال ظلم خارج نمی‌شوم. همانا من برای اقدام به اصلاح در امت جدم گام در این طریق می‌گذارم. من می‌خواهم به معروف اَمر، و از منکر نهی نموده و بر سیره جد و پدرم خواهم رفت» [۲]

سیاست۲. ترویج ارزش‌های انسانی

«امام حسین علیه‌السلام: [ای مردم کوفه] همانا ... [امیر شما ـ یزید] مرا بین دو گزینه مخیَّر ساخته است: شمشیر یا ذلّت. و بسیار دور باد از ما که ذلّت را پذیرا باشیم. همانا خداوند چنین چیزی را برای ما نمی‌خواهد؛ و این را رسول خدا و مؤمنان و دامن‌های پاکی که من در آنها پرورش یافته‌ام نیز بر من نمی‌پسندند» (به نقل از: مطهری ۱۳۷۷: ٤۰) [۳].

شعار محوری و اصلی نهضت حسینی را می‌توان «دعوت به آزادگی» ارزیابی نمود که در جمله زیبای امام حسین علیه‌السلام ـ یعنی هیهات منّاالذّله ـ تجلی یافته است. بررسی عموم جنبش‌های آزادی‌بخش ـ اعم از دینی (موثقی ۱۳۸۱؛ حلبی ۱۳۸۲) و غیر دینی (توشار و دیگران ۱۳۸٤: ۵۰۰–٤۵۱) ـ حکایت از آن دارد که طلب عزّت و سربلندی ناشی از «آزادی و استقلال»، هدفی بلند و فرازمانی و مکانی است که در تولید انگیزه برای «ایجاد تغییر»، نقشی بی‌بدیل ایفاء می‌نماید. به همین خاطر است که تحلیلگران چون «جین شارپ» (Gene Sharp)، طرح و احیاء اهداف

آرمانی‌ای چون «آزادی»، «مردم سالاری»، «مساوات» و... را شیوه‌ای مناسب برای طراحی روش‌های نرم‌افزارانه برای ایجاد انقلاب در جوامع مختلف پیشنهاد می‌نماید (Sharp 2005).

معنای تحلیل بالا آن است که امام حسین علیه‌السلام، مبارزه واقعی بر ضد رژیم اموی را همچون امام حسن علیه‌السلام آغاز نموده بود و با احیاء ارزش‌های اصیل انسانی که بر فطرت الهی استوار بود، عملاً بنیادهای حکومت یزید را هدف قرار داده بود. مبحث «عزت» و «آزادگی» که اصل پیروزی «خون بر شمشیر» را تداعی می‌نمود. در عاشورا نمود عینی یافت و بدین وسیله نه تنها حکومت یزید را متزلزل ساخت؛ بلکه نمادی واقعی برای آزادگان بعدی شد تا با تمسک به آن مبارزه نرم خویش را بر ضد حکومت‌های جائر مسلط طراحی و عملیاتی نمایند. در این راستا می‌توان به سایر کلمات محوری امام حسین علیه‌السلام اشاره داشت که هر یک به عنوان اصلی برای حیات عزیزانه، عمل می‌نماید.

سیاست ۳. نقد قتال

«جنگ» به مثابه مصداق بارز «سخت‌افزارگرایی» و به حکم صریح قرآن کریم، نمی‌توانست مطلوب امام حسین علیه‌السلام باشد؛ چرا که در صورت بروز هر گونه تعارض و منازعه‌ای بین دو گروه از مسلمانان، وظیفه اولیه «حل و فصل مسالمت‌آمیز» آن است

«وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى فَقاتِلُوا الَّتي تَبْغي حَتَّى تَفيءَ إِلى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُقْسِطِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه الحجرات (٤٩). آیه شریفه ۹).

«و اگر دو طایفه از اهل ایمان به قتال با یکدیر برخاستند، پس میان ایشان صلح و مصالحه برقرار سازید. پس اگر یکی از آن دو بر دیگری ظلم روا داشت پس با او بجنگید تا این که به فرمان الهی گردن نهد. پس اگر چنین کرد میان ایشان براساس عدل صلح و مصالحه برقرار سازید و قسط پیشه نمایید، که همانا خداوند پیشه‌کنندگان قسط را دوست می‌دارد.»

به همین خاطر است که امام حسین علیه‌السلام در مواضع مختلفی «اصالت جنگ سخت‌افزاری» (قتل) را نقد و نفی نموده است. چنان که در ابتدای راه تصریح دارد که «وظیفه من در حال حاضر جنگ نیست» (به نقل از: شهیدی ۱۳۵۹: ١٦٨) و خود و یارانش تا قبل از رسیدن به کربلا و حتی تا ظهر عاشورا به کرّات سربازان و فرماندهان لشکر یزید را به «هدایت» و پرهیز از «جنگ» فرا خواندند. در این خصوص کلام امام حسین علیه‌السلام راه‌گشا است، آنجا که در لحظات پایانی منتهی به عاشورا، خطاب به سپاه دشمن، می‌فرماید:

«مردم شتاب مکنید! سخن مرا بشنوید. من خیر شما را می‌خواهم. من می‌خواهم به شما بگویم برای چه کاری به سرزمین شما آمده‌ام. اگر سخن مرا شنیدید و انصاف دادید، و دیدید من درست می‌گویم، این جنگ که هر لحظه ممکن است درگیرد، از میان برخواهد خاست....» (به نقل از: شهیدی ۱۳۵۹: ۱۷۰).

سیاست ٤. اسوه سازی

«امام حسین علیه‌السلام: لکم فیّ اسوة؛ همانا برای شما من اسوه هستم»

خداوند متعال در قرآن کریم برای دو شخصیّت وصف و مقام عالی «اُسوه» بودن را تصریح داشته است؛ نخست «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله» [٤] و سپس حضرت ابراهیم علیه‌السلام و همراهان او که در دو موضع آمده است [٥]. چنان که از کلام امام حسین علیه‌السلام نیز برمی‌آید، حضرت علیه‌السلام نیز خود را به عنوان «اُسوه» برای جامعه اسلامی مطرح می‌نماید. بر این اساس مشخص می‌شود که امام حسین علیه‌السلام با توجه به ابعاد و آفاق معنوی جهاد و نیل به مراتب عالی کمال که ولایت و امامت را برای او اثبات می‌نماید، توانسته بود به راهنمایی برای جامعه تبدیل شود. طبیعی است که پذیرش چنین اسوه‌ای و گروش به آن در جامعه، می‌توانست آغازگر حرکت اصلاحی‌ای باشد که عدم پذیرش ظلم و ستم و اقدام بر ضد یزید از کوچک‌ترین نتایج مثبت آن به شمار می‌آید.

در واقع سیاست اسوه‌سازی امام حسین علیه‌السلام به شکلی جامع و همه جانبه دنبال می‌شود، تا آنجا که از کودکی خردسال، تا جوانانی رشید و بالاخره پیرمردانی سپید موی تماماً در آن حضور دارند و همگی جزو بهترین‌ها هستند. آنچه امام حسین علیه‌السلام در عاشورا به نمایش گذارد، اوج «اسوه بودن»، کمال «اخلاص» و غایت «آزادگی» بود؛ لذا نه تنها در حد عصر و زمانه خویش بلکه برای تمام حیات انسان، سرمشق شد. بر این اساس نفس حضور امام و تعاملش با مردم و همچنین وجود یاران باوفایش درون

جامعه، به مثابه نهضتی نرم به شمار می‌آمد که هر روز بر گستره آن افـزود و بنیادهای حکومت اموی را فرسوده می‌ساخت. این شیوه مبـارزه بـه مراتـب مؤثرتر و عمیق‌تر از ورود به جنگی سخت با یزید از سوی امام علیه‌السلام ارزیـابی می‌شود.

سیاست ۵. جنگ سخت

آنچه به عنوان «پیکار» در روز عاشورا در کـربلا نمایـان شـد، در واقـع معرّف تنها یکی از گونه‌های سیاست جهادی امام حسـین علیه‌السلام مـی‌باشـد. در واقع «پیکار» از اصالت ذاتی‌ای برخوردار نبود، بلکه از آن حیث کـه معـرّف «صبر» و «استقامت»، «عدم پذیرش زور»، «اقدام خالصانه برای خدا» و مهمتر از همه گامی عملی برای «نهی از منکر» بود؛ در راهبرد جهادی امام علیه‌السلام جای گرفت. به همین دلیل است که نقد امام حسین علیه‌السلام از جنگ وسـیع و عمیـق می‌باشد و تلاش بسیار نمود تا مردم را از این اقـدام بـاز دارد؛ امـا یزیـدیان بدلیل قساوت قلب از هدایت بدور و مشتاق جنگ گشـته بودنـد. لـذا بایـد گفت که امام حسین علیه‌السلام از مبارزه «فرار» ننمود اما خواهان آن هم نبود. پـس چون عزم ایشان را در این کار جزم دید و آغاز کننـده جنـگ شـدند؛ اقـدام نمود و بصیرت، هدایت و معرّفت را «راهنمای» راهی قرار داد که شمشـیرها با توجه به آن معنا و ارزش می‌یافتند. در واقع امام حسین علیه‌السلام جنگـی را کـه یزیدیان برافروخته بودند، مدیریت نمـود و بـا تعریـف آن در قالـب الگـوی «جهاد» معنای تازه‌ای به آن بخشـیدند کـه «پیـروزی یـا شکسـت» دیگـر بـا شاخص‌های متعارف در «قتال» قابل برآورد و ارزیابی نمی‌شد.

بر این اساس می‌توان چنین استنتاج نمود که جهاد فرآیندی چند لایه و پیچیده می‌باشد که در پایین‌ترین سطح خود به «جنگ سخت» مرتبط می‌شود. امام حسین علیه‌السلام نیز در الگوی جهادی خویش، آنجا که دیگر راه کاری جز «نبرد» دیده نمی‌شد؛ جنگ را پذیرفت تا بتواند اهداف جهادی خود را از آن طریق (یعنی شهادت) تأمین نماید. در چنین الگویی «جنگ» اگر چه دارای اصالت ذاتی نیست؛ اما به عنوان یک عامل فشار بر مؤمنان هم نمی‌تواند مطرح باشد و در صورت ضرورت، مؤمن به استقبال آن خواهد رفت.

نتیجه‌گیری

«فَلَوْ لا كانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسادِ فِي الْأَرْضِ إِلاَّ قَليلاً مِمَّنْ أَنْجَيْنا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذينَ ظَلَمُوا ما أُتْرِفُوا فيهِ وَ كانُوا مُجْرِمينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه هود (۱۱). آیه شریفه ۱۱٦).

«پس اگر در میان پیشینیان شما در اعصار گذشته بودند مردمانی با عقل و ایمان که دیگران را از فساد در زمین نهی نمایند؛ همانا ما تمامی ایشان را به سان آن گروهاندکی که نجات دادیم؛ رهایی می‌بخشیم. و ستمکاران [که به هلاکت رسیدند] مردمانی خوش‌گذران بودند که در دنیا به این کار پرداختند و به جهت جرمشان [مجازات شدند]».

چنان که خداوند متعال تصریح نموده، هلاکت امت‌ها از آنجا ناشی می‌شود که افراد مصلح که قرار است آمر به معروف و ناهی از منکر باشند،

بنا به دلایلی از این رسالت خطیر باز می‌ایستند و در نتیجه جامعه بـه سـمت تباهی رفته و به این دلیل مستوجب «عذاب الهی» می‌گردد.

بررسی تاریخ تحول صدر اسلام حکایت از آن دارد که متعاقب شهادت حضرت علی علیه‌السلام جریانی زمام امور را به دست می‌گیرد کـه بـه تعبیـر امـام علی علیه‌السلام، حامل فتنه‌ای بَس بزرگ برای امت اسلامی بود. فتنـه‌ای کـه بـدلیل حضور اشخاصی چون معاویه و عمرو عاص، بنیادهای اسلام ـ و نـه صـرفاً منافع مسلمین ـ را هدف قرار می‌داد. وقایع تاریخی نیز مؤید این پـیش‌بینـی بوده و نشان می‌دهد که معاویه جنگی تمام عیار را بر ضد اسـلام طراحـی و عملیاتی نمود که پشتوانه نرم‌افـزاری آن بسـیار قـوی و سـترگ بـود. شـهید مطهری در مقام تحلیل این دوره به ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصـادی دوره معاویه اشاره نموده و نشان می‌دهد کـه چگونـه معاویـه بـا درک بنیـاد جهادی حرکت امـام حسـن علیه‌السلام تـلاش نمـود بـا اسـتفاده از سیاسـت‌هـای نرم‌افزارانه جلو «مبارزه نرم» امام را بگیرد (مطهـری ۱۳۷۷: ۵۱-۴۹). توصـیه خاص معاویه به یزید، از این حیث معنادار است: آنجا کـه یزیـد را از اقـدام سخت‌افزارانـه (قتـال) بـر ضـد امـام حسـین علیه‌السلام تحـذیر داده و روش‌هـای نرم‌افزارانه و پنهانی را ارجحیّت می‌دهد:

> «[ای یزید] اگر عراقیان هـر روز از تـو بخواهنـد حـاکمی را عزل و حاکمی را نصب کنی، بپذیر. زیرا عوض کردن حـاکم آسان‌تر است تا رویـاروی ایسـتادن بـا صـد هـزار شمشـیر» (به نقل از: شهیدی ۱۳۵۹: ۱۲).

البته یزید از درایت شیطانی معاویه بی‌بهره بود و لذا در مقام مواجهه با جهاد حسینی که به صورت نرم‌افزارانه ـ و به تبعیت از امام حسن علیه‌السلام آغاز شده بود، دست به شمشیر برد و بدین ترتیب به جای آن که نهضت حسینی را سرکوب نماید، عملاً توسعه و ثمربخشی آن را دامن زد. این که نهضت حسینی تا عصر حاضر به حیات خود ادامه داده و همچنان نیز مطرح است، مؤید این معنا بوده و نشان می‌دهد که «حرکت‌های جهادی» نسبت به «جنگ‌های نظامی» به مراتب مؤثرتر و پایدارتر می‌باشند؛ و این همان پیام جاودانه‌ای است که از «جهاد حسینی» برای کل تاریخ باقی مانده ـ و خواهد ماند.

یادداشت‌ها

[۱]. در ارتباط با جهاد عموم نظریه‌های موجود ناظر بر «رزمی» دیدن آن است که علی‌رغم شهرت، اما از استناد و اعتبار قرآنی و یا کاربرد در سیره برخوردار نیست. به گونه‌ای که پیامبر اکرمﷺ جهاد اکبر و اصلی را مبارزه با نفس قلمداد نموده و بدین ترتیب بنیاد آن را غیر نظامی دانسته‌اند. در قرآن کریم نیز کاربرد اصولاً غیر نظامی هستند. بنابراین چنین به نظر می‌رسد، سنت عمومی محل نقد و ارزیابی دارد. برای آشنایی با مبادی تحلیلی، فقهی و کاربردی رویکرد مسلط نزد گروه‌های مختلف دینی نگاه کنید به: ابن تیمیه ۱۳٦۸ ق.؛ ابوزهره ۱۳۸٤ ق.؛ حسن ۱٤۰۲ ق.؛ زحیلی ۱۳۸۱ ق.؛ طوسی ۱۳۸۷ ق.؛ الموسوی الخمینی [بی‌تا]؛ هیکل ۱٤۱۷ ق.

[۲]. قال الحسین علیه‌السلام: «انی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً. انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی. ارید آن امر بالمعروف و انهی عن‌المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی» (مقتل الحسین: ۱٥٦، به نقل از: مطهری ۱۳۷۷: ۱٤٥).

[۳]. قال الحسین علیه‌السلام: آلا و اِنَّ الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین: بین السِّلة و الذلّه. و هیهات منّاالذلّه. یا بیالله ذلک لنا و رسوله و المومنون و حجور طابت و طهرت».

[٤]. قال‌الله تعالی: «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ کانَ یَرْجُوا اللّهَ وَ الْیَوْمَ ألآخِرَ وَ ذَکَرَ اللّهَ کَثیراً» (قرآن کریم. سوره مبارکه الاحزاب (۳۳). آیه شریفه ۲۱).

[٥]. قال‌الله تعالی: «قَدْ کانَتْ لَکُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فی إبْراهیمَ وَ الَّذینَ مَعَهُ إذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إنّا بُرَآؤُا مِنْکُمْ وَ مِمّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ کَفَرْنا بِکُمْ وَ بَدا بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ

الْعَداوَةُ وَ الْبَغْضاءُ أَبَدًا حَتّى تُؤْمِنُوا بِاللّهِ وَحْدَهُ إِلاّ قَوْلَ إِبْراهيمَ لِأَبيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَکَ وَ ما أَمْلِکُ لَکَ مِنَ اللّهِ مِنْ شَیْءٍ رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ إِلَیْکَ أَنَبْنا وَ إِلَیْکَ الْمَصیرُ» (قرآن کریم. سوره مبارکه الممتحنه (٦٠). آیه شریفه٤).

فهرست منابع

فارسی

- قرآن کریم
- نهج‌البلاغه (۱۳۷۱) ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن اعثم کوفی (۱۳۸۰) **الفتوح**. محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن خلدون،عبدالرحمن (۱۳٦۲) **مقدمه ابن خلدون**. ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات عالمی و فرهنگی، ۲ جلد.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸٤) **مصلحت و سیاست: رویکردی اسلامی**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷) «چهره‌های قدرت: گذر از سخت‌افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی»،در: جوزف نای، **قدرت نرم**. مترجمان: سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، صص ۲٤ـ۷.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳) **تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران**. تهران: سمت.
- توشار، پاتریس و دیگران (۱۳۸٤) **قرن زیاده‌روی‌ها**. ترجمه: عباس صفریان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۲) **تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر**. تهران: زوّار.
- شریعتی، علی(۱۳٦۰) **حسین وارث آدم**. تهران: انتشارات قلم(مجموعه آثار ۱۹).
- شریعتی، علی (۱۳۷۲) **انسان بی‌خود**. تهران: انتشارات قلم (مجموعه آثار ۲۵).

- شهیدی، سید جعفر (۱۳۵۹) **پس از پنجاه سال پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳٦٤) **سیّد جاوید**. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ظریفیان، غلامرضا (۱۳۷٦) **دین و دولت در اسلام**. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی میراث ملل.
- عبدالمقصود، عبدالفتاح (۱۳۷٦) **خاستگاه خلافت**. سید حسن افتخارزاده، تهران: آفاق.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵ ـ ب) **اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه (جهاد)**. تهران: امیر کبیر.
- مخلوف، حسنین محمد (۱۳۸۷) **تفسیر و توضیح کلمات قرآن**. حسینعلی انصاری راد، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۸٦) **سوره‌های قرآن: درونمایه‌ها و محورها**. محمد تقدمی صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ ـ الف) **حماسه حسینی**. تهران: صدرا، ج۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ ـ ب) **حماسه حسینی**. تهران: صدرا، ج۲.
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۱) **جنبش‌های اسلامی معاصر**. تهران: سمت.
- موسوی خمینی، روح‌الله (بی‌تا) **ولایت فقیه و جهاد اکبر**، تهران: الست فقیه.
- نای، جوزف (۱۳۸۷) **قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل**. ترجمان: سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.